



دانشکده الهیات و معارف اسلامی

پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته الهیات (فقه و مبانی حقوق اسلامی)

عنوان:

بررسی تطبیقی نصب و عزل قیّم از دیدگاه مذاهب پنج‌گانه اسلامی

توسط:

محدثه آبیار

استاد راهنما:

دکتر عبدالجبار زرگوش‌نسب

استاد مشاور:

دکتر طاهر علی محمدی

بهمن ماه ۱۳۹۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا

بررسی تطبیقی نصب و عزل قیوم از دیدگاه مذاهب پنج‌گانه اسلامی

توسط
محدثه آبیبار

پایان نامه ارائه شده به تحصیلات تکمیلی دانشگاه به عنوان بخشی از فعالیت‌های لازم برای اخذ درجه
کارشناسی ارشد

در رشته‌ی:

الهیات (فقه و مبانی حقوق اسلامی)

از دانشگاه ایلام

ایلام

جمهوری اسلامی ایران

در تاریخ ۱۳۹۵/۴/۱۵ توسط هیات داوران مورد ارزیابی و با درجه ^{بسیار خوب} تصویب نهایی رسید.

دکتر عبدالجبار زرگوش نسب، استادیار گروه الهیات (استاد راهنما و رئیس هیات داوران)

دکتر طاهر علی محمدی، دانشیار گروه الهیات (استاد مشاور)

دکتر مهدی اکبر نژاد، دانشیار گروه الهیات (داور)

دکتر محمدرضا حسینی نیا، استادیار گروه الهیات (داور)

دکتر صیدمهدی ویسه، استادیار گروه مدیریت (ناظر تحصیلات تکمیلی)

بهمن ماه ۱۳۹۵

اظهارنامه دانشجو

موضوع پایان نامه: بررسی تطبیقی نصب و عزل قیم از دیدگاه مذاهب پنج‌گانه اسلامی

استاد راهنما: دکتر عبدالجبار زرگوش‌نسب

نام دانشجو: محدثه آبیبار

شماره دانشجویی: ۹۲۲۳۱۲۴۰۱

اینجانب محدثه آبیبار دانشجوی دوره کارشناسی ارشد رشته الهیات، گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه ایلام گواهی می‌نمایم که تحقیقات ارائه شده در این پایان نامه توسط شخص اینجانب انجام شده و صحت و اصالت مطالب نگارش شده مورد تأیید می‌باشد، و در موارد استفاده از کار محققان به مرجع استفاده شده اشاره شده است. بعلاوه گواهی می‌نمایم که مطالب مندرج در پایان نامه تاکنون برای دریافت هیچ نوع مدرک یا امتیازی توسط اینجانب یا فرد دیگری در هیچ جا ارائه نشده است و کلیه حقوق معنوی این اثر به دانشگاه ایلام تعلق دارد. همچنین مقالات مستخرج از پایان نامه، ذیل نام دانشگاه ایلام (Ilam University) به چاپ خواهد رسید و در تدوین متن پایان نامه چارچوب (فرمت) مصوب دانشگاه را بطور کامل رعایت کرده‌ام. در ضمن متمهد می‌شوم حداکثر ظرف مدت ۶ ماه از تاریخ دفاع نسبت به صحافی و تسویه حساب دانشگاه اقدام نمایم در غیر این صورت از حمایت‌های مالی مرتبط با پایان نامه صرف نظر خواهم کرد.

امضا دانشجو:

تاریخ:

۹۵/۱۲/۱۵

تقدیم به:

خدای را بسی شاکرم که از روی کرم، پدر و مادری فداکار نصیم ساخته تا در سایه درخت پر بار
و جودشان یسایم و از ریشه آنها شاخ و برگ گیرم و از سایه و جودشان در راه کسب علم و
دانش تلاش نمایم. والدینی که بودشان تاج افتخاری است بر سرم و نامشان دلیلی است
بر بودنم، چرا که این دو وجود، پس از پروردگاری همتی ام بوده اندستم را گرفتند و راه
رفتن را در این وادی زندگی پر فراز و نشیب آموختند.

آموزگارانانی که برایم زندگی، بودن و انسان بودن را معنا کردند.

تقدیم به وجود پربرکت و باارزششان.....

ساکزاری،

خداوند بزرگ را سپاسگزارم که توفیق عطا کرد تا این پیام نامه را به پایان رسانم. بر خود واجب می‌دانم که از اساتید فرهیخته که با صبر و حوصله مراد این مسیریاری نمودند تشکر نمایم، از استاد گرانقدر جناب آقای دکتر عبدالحجاری زکوش نسب که بی‌شک بدون راهنمایی ایشان این تحقیق به ثمر نمی‌رسید کمال تشکر را دارم و همچنین از استاد بزرگوار جناب آقای دکتر طاهر علی محمدی که مشاور این پیام نامه بودند تشکر ویژه دارم.

چکیده

محجورین، به علت ناتوانی در اداره اموالشان از راه‌هایی مورد حمایت قرار گرفته‌اند، آنها از تصرف در اموال و حقوق مالی خود ممنوع هستند، افرادی چون پدر و جد پدری، وصی یکی از آن دو و حاکم شرع بر آنها ولایت داشته و در امور مالی آنان حق تصرف دارند. حاکم شرع شرعاً مجاز است، شخصی را به عنوان قیم برای این کار منصوب کند. در خصوص شرایط عزل و نصب قیم و اتمام مسئولیت او میان فقهای مذاهب پنج‌گانه اسلامی اختلافاتی وجود دارد که ضرورت انجام این پژوهش را به دنبال داشته است. در این تحقیق که به روش توصیفی تحلیلی صورت پذیرفته، با تبیین و بررسی قیومت، شرایط و احکام نصب و عزل قیم از دیدگاه مذاهب پنج‌گانه اسلامی به اقوال مشترک و اختلافی آنها دست یافته و چنین نتیجه گرفته شده است که فقهای امامیه و اهل سنت در ولایت حاکم بر اموال محجور اتفاق نظر دارند؛ ولی در شرایط و احکام نصب آن نسبت به صغیر، مجنون یا سفیه اختلاف نظر دارند و تمام مذاهب پنج‌گانه در اینکه اگر قیم حاکم فاسق شود، عزل می‌شود متفق هستند.

کلید واژگان: حاکم، قیم، محجور، نصب قیم، عزل قیم.

فهرست مطالب

عنوان	شماره صفحه
فصل اول: کلیات و مفاهیم	۱
۱-۱- مقدمه	۲
۲-۱- تعریف و بیان مسأله	۲
۳-۱- اهمیت و ضرورت انجام پژوهش	۳
۴-۱- سؤالات پژوهش	۳
۵-۱- مرور و نقد پژوهش‌های گذشته	۴
۶-۱- جنبه جدید بودن و نوآوری در پژوهش	۵
۷-۱- اهداف پژوهش	۵
۸-۱- روش انجام پژوهش	۵
۹-۱- اصطلاحات و تعاریف	۵
۱-۹-۱- حاکم	۵
۲-۹-۱- قیومیت	۶
۳-۹-۱- حجر	۷
۴-۹-۱- ولایت	۸
فصل دوم: احکام و شرایط نصب و عزل قیّم از دیدگاه مذاهب پنج‌گانه	۱۰
۱-۲- ولایت حاکم بر اموال صغار از نظر امامیه	۱۱
۱-۱-۲- ادله فقهای امامیه	۱۱
۲-۲- ولایت حاکم بر اموال صغار از دیدگاه اهل سنت	۱۵
۳-۲- ولایت حاکم بر اموال مجنون از نظر مذهب امامیه	۱۶
۱-۳-۲- ادله فقهای امامیه	۱۷
۴-۲- ولایت حاکم بر اموال مجنون از نظر اهل سنت	۱۷
۵-۲- ولایت حاکم بر اموال سفیه در مذهب امامیه	۱۸
۶-۲- ولایت حاکم بر اموال سفیه از نظر اهل سنت	۱۹
۷-۲- تصرفات حاکم در اموال محجور از دیدگاه امامیه	۲۰
۱-۷-۲- اعتبار مصلحت	۲۰
۲-۷-۲- رعایت اصلحیت	۲۳
۳-۷-۲- عدم اعتبار مصلحت	۲۴
۸-۲- اعتبار مصلحت در ولایت حاکم از دیدگاه فقهای اهل سنت	۲۴
۹-۲- موارد منسوب شدن قیّم در صورت عزل ولی قهری از نظر امامیه	۲۵
۱-۹-۲- کافر شدن ولی	۲۵

- ۲۶-۲-۹-۲- محجور شدن ولی ۲۶
- ۲۷-۳-۹-۲- عدالت یا عدم عدالت ولی قهری ۲۷
- ۲۸-۱۰-۲- موارد منصوب شدن قیّم در صورت عزل ولی قهری از نظر اهل سنت ۲۸
- ۲۹-۱-۱۰-۲- بلوغ و عقل ۲۹
- ۲۹-۲-۱۰-۲- مرتد بودن ولی ۲۹
- ۳۰-۳-۱۰-۲- مسلمان بودن ولی ۳۰
- ۳۰-۴-۱۰-۲- سفاقت ولی ۳۰
- ۳۱-۵-۱۰-۲- عدالت ولی ۳۱
- ۳۱-۱۱-۲- عدم حضور وصی یا عزل وی در فقه امامیه و منصوب شدن قیّم ۳۱
- ۳۴-۱۲-۲- عزل وصی در اهل سنت و منصوب شدن قیّم ۳۴
- ۳۵-۱۳-۲- عزل قیّم در فقه امامیه ۳۵
- ۳۵-۱۴-۲- عزل قیّم از نظر اهل سنت ۳۵
- ۳۶-۱۵-۲- پایان قیّمومت و شرایط آن ۳۶
- ۳۷-۱-۱۵-۲- بلوغ ۳۷
- ۴۴-۲-۱۵-۲- رشد ۴۴
- ۴۹-۱۶-۲- رفع حجر مجنون از دیدگاه مذاهب پنجگانه ۴۹
- ۴۹- جمع بندی ۴۹
- ۵۰- فصل سوم: تکالیف و اختیارات قیّم از دیدگاه مذاهب پنجگانه ۵۰
- ۵۱-۱-۳- ولایت حاکم بر نکاح صغیر در امامیه ۵۱
- ۵۷-۲-۳- ولایت حاکم بر نکاح صغیر در اهل سنت ۵۷
- ۵۸-۳-۳- ولایت حاکم بر نکاح مجنون از نظر امامیه ۵۸
- ۵۸-۴-۳- ولایت حاکم بر نکاح مجنون از نظر اهل سنت ۵۸
- ۶۰-۵-۳- ولایت حاکم بر نکاح سفیه از نظر امامیه ۶۰
- ۶۱-۶-۳- ولایت حاکم بر نکاح سفیه از نظر اهل سنت ۶۱
- ۶۲-۷-۳- ولایت حاکم بر طلاق محجورین ۶۲
- ۶۲-۱-۷-۳- ولایت حاکم بر طلاق صغیر از نظر امامیه ۶۲
- ۶۵-۲-۷-۳- آرای فقهای اهل سنت در طلاق صغیر توسط حاکم ۶۵
- ۶۶-۸-۳- ولایت حاکم بر طلاق مجنون در مذهب امامیه ۶۶
- ۶۸-۹-۳- ولایت داشتن حاکم بر طلاق مجنون در مذاهب اهل سنت ۶۸
- ۶۹-۱۰-۳- ولایت حاکم بر طلاق سفیه در امامیه ۶۹
- ۷۰-۱۱-۳- ولایت حاکم بر طلاق سفیه در مذاهب اهل سنت ۷۰
- ۷۰-۱۲-۳- حضانت محجور بر عهده قیّم در فقه امامیه ۷۰
- ۷۱-۱۳-۳- ولایت حاکم بر حضانت محجور از دیدگاه اهل سنت ۷۱

۷۲ ۱۴-۳- تصرفات و اختیارات حاکم در اموال محجورین
۷۲ ۱-۱۴-۳- خرید و فروش
۷۴ ۲-۱۴-۳- مضاربه با مال محجور توسط قیم
۷۵ ۳-۱۴-۳- اجاره اموال صغیر توسط قیم
۷۷ ۴-۱۴-۳- رهن اموال محجور توسط قیم
۷۸ جمع بندی
۷۹ نتیجه گیری
۸۱ منابع

فصل اول

کلیات و مفاهیم

۱-۱- مقدمه

بی‌شک هر شخصی اختیار خویشتن و تصرف در اموال و اداره‌ی امور خود را دارد و از این رو هیچ فردی حق دخالت در امور دیگری را ندارد؛ لیکن در مواردی بنا به دلایلی همچون صغر و جنون و سفه شخص نمی‌تواند به طور شایسته امور خویشتن را مدیریت کند؛ لذا شارع جهت حفظ مصلحت چنین افرادی و نیز اداره‌ی امور مربوط به آنان قواعد و قوانین خاصی را وضع نموده است تا با توجه به این حدود امور این اشخاص مدیریت شود و این نقص مرتفع گردد. در فقه اسلامی توجه خاصی به امور افراد محجور شده است، در برخی از آیات قرآنی و روایات نیز اشاره به سرپرستی و امور مالی آنان شده است.

ولایتی که به علت نقصان یا فقدان اهلیت شخص، به حکم شرع یا حاکم شرع به شخصی واگذار می‌گردد نیابت شرعی نامیده می‌شود نیابت شرعی نیز بر سه قسم است: ۱- ولایت اجباری که برای پدر و جد پدری می‌باشد. ۲- وصایت که برای وصی پدر و جد می‌باشد. ۳- ولایت حاکم که در صورت فقدان پدر، جد پدری و وصی برای حاکم شرع است، حاکم شرع شخصاً یا با انتصاب شخصی اعمال ولایت می‌کند و به کسی که از سوی حاکم به عنوان ولی شناخته می‌شود قیم می‌گویند، به این نوع ولایت قیمومت نیز گفته می‌شود که با نصب حاکم شرع به منظور حمایت از محجورین انجام می‌شود. پس ضرورت می‌یابد بررسی شود که در فقه اسلامی برای محجور در چه شرایطی قیم از طرف حاکم شرع منصوب می‌گردد یا اینکه قیم در چه شرایطی از سمت خود عزل می‌شود و اینکه قیمومت چگونه پایان می‌پذیرد و چه اختیاراتی بر شخص محجور می‌تواند داشته باشد، در راستای بحث و بررسی نصب و عزل قیم این پایان‌نامه در سه فصل سامان می‌یابد: در فصل اول به کلیات و مفاهیم تحقیق، در فصل دوم به احکام و شرایط نصب و عزل قیم از دیدگاه مذاهب پنج‌گانه و پایان قیمومت و در فصل سوم به تکالیف و اختیاراتی که قیم در امور مالی و غیر مالی در مذاهب پنج‌گانه دارد پرداخته می‌شود و در پایان، نتیجه‌گیری خواهد شد.

۱-۲- تعریف و بیان مسأله

قیم در لغت به معنای سرپرست می‌باشد و در اصطلاح فقهی به کسی می‌گویند که اداره امور محجور را، اعم از مالی و غیر مالی بر عهده می‌گیرد. اشخاص محجور به دلیل وضعیت خاص خود، قادر به تشخیص صلاح و مصلحت خود نیستند و ممکن است کارهایی انجام دهند که به ضرر خودشان باشد، بنابراین شارع برای حمایت از محجورین، آنها را از تصرف در اموال منع کرده است و افرادی را به عنوان نماینده آنها تعیین و انجام امور محجور را به این نمایندگان محول کرده است. به طور کلی سه نوع نمایندگی در شرع برای این دسته افراد مشخص شده است که به ترتیب عبارتند از: ۱- ولایت قهری: ولی قهری در فقه پدر و جد پدری می‌باشد و این دو به موجب شرع سرپرست هستند، ولایت‌شان اجباری است، نه اختیاری و به همین جهت آن را قهری نامیده‌اند. ۲- وصایت: نماینده تعیین شده از سوی پدر یا جد پدری که به او «وصی» می‌گویند. ۳- قیمومت: در صورت فقدان پدر یا جد پدری یا وصی، حاکم شرع سرپرستی امور محجور را بر عهده می‌گیرد که از آن به ولایت حاکم تعبیر می‌کنند. این ولایت که از آن

حاکم شرع است می‌تواند آن را شخصاً اعمال کند یا شخصی را به عنوان نماینده خود برای سرپرستی محجور تعیین نماید که در فقه او را قیم یا وصی قاضی نامیده‌اند. فقهای اسلام تنها برای صغیر، سفیه و مجنون در صورتی که پدر یا جد پدری یا وصی نباشد نصب قیم را ضروری دانسته‌اند. این نوع ولایت مورد قبول همه فقهای اسلامی اعم از امامیه و اهل سنت است؛ اما در احکام و شرایط نصب و عزل قیم میان آنان اختلاف است. فقهای امامیه، شافعیه و حنابله اتفاق نظر دارند بر اینکه یکی از شرایط نصب قیم از جانب حاکم شرع عدالت می‌باشد با اینکه فقهای شافعیه و حنابله معتقدند که عدالت برای هر نوع ولی، شرط است چه پدر و جد پدری باشد و چه قیم منصوب از طرف حاکم شرع. مالکیه نیز بر این عقیده است که اگر حاکم بود ولایت از آن حاکم است اما اگر حاکم شرع نباشد، ولایت برای گروهی از مسلمانان است. در این پژوهش سعی بر آن است که به این سؤالات پاسخ داده شود که نصب و عزل قیم از دیدگاه مذاهب پنج‌گانه اسلامی چه شرایطی دارد، و اختیارات و تکالیف قیم در موضوعات مختلف فقهی در مذهب امامیه و اهل سنت چیست؟ پس از آن و آرا و نظرات آنها مورد بررسی قرارگیرد و موارد اشتراک و افتراق هر یک شناسایی گردد.

۱-۳- اهمیت و ضرورت انجام پژوهش

این تحقیق از جهات ذیل دارای اهمیت و ضرورت می‌باشد:

- ۱- در خصوص قیمومت آنچنان که شایسته این بحث است تاکنون بررسی کافی صورت نگرفته است.
- ۲- بحث قیمومت با توجه به اینکه یکی از مسائل مبتلابه دادگاه‌ها می‌باشد، ضرورت دارد که بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته شود و ابهاماتی که در این زمینه هست مرتفع گردد.
- ۳- این پژوهش که به صورت تطبیقی می‌باشد می‌تواند به قشر فرهیخته جامعه در دستیابی به قوانین متقن و کارآمد و تدوین نظام حقوقی جامع کمک کند.

۱-۴- سؤالات پژوهش

سؤال اصلی

- ۱- عزل و نصب قیم از دیدگاه مذاهب پنج‌گانه چه شرایط و احکامی دارد؟

سؤالات فرعی

- ۱- از نظر امامیه و مذاهب چهارگانه اهل سنت در چه شرایطی حاکم شرع قیم تعیین می‌کند؟
- ۲- از دیدگاه فقه امامیه و مذاهب چهارگانه اهل سنت در چه شرایطی قیم از سمت خود عزل می‌شود؟
- ۳- تکالیف و اختیارات قیم در امور مالی و غیر مالی از منظر مذاهب پنج‌گانه چیست؟

۱-۵- مرور و نقد پژوهش‌های گذشته

موضوع قییم، نصب و عزل آن در لابه لای کتب فقهی امامیه و مذاهب اهل سنت در مبحث حجر، وصیت و برخی ابواب دیگر مورد بررسی قرار گرفته است؛ همچنین در چند پایان‌نامه و مقاله به موضوع مورد بحث از زاویه‌ای خاص پرداخته شده است که برخی از آنها عبارتند از:

پایان‌نامه‌ها

پایان‌نامه «مقایسه تکالیف و اختیارات ولی قهری و قییم» نوشته ابراهیم ماژانی (دانشگاه شهید بهشتی سال ۱۳۸۸) وی در این پایان‌نامه تکالیف و اختیارات ولی و قییم را با هم مقایسه کرده و چنین نتیجه گرفته است که قانون‌گذار حدود اختیارات و تکالیف ولی قهری را بیان نموده و آن را منوط به مصلحت مولی علیه دانسته که به دلیل وجود رابطه نسبی فرض را هم بر رعایت آن قرار داده؛ اما در خصوص قییم به دلیل تفاوت در نوع رابطه و اهمیت احتیاط در رعایت مصلحت محجور، تکالیف و اختیارات او بیان شده است.

پایان‌نامه «مقایسه ولی و قییم در فقه و حقوق ایران» نوشته بزرگمهر صادقی نیجکوهی (دانشگاه پیام نور سال ۱۳۸۹) ایشان در این پایان‌نامه به مقایسه ولی و قییم در فقه و حقوق ایران پرداخته است و در نهایت روشن شد که ولی خاص، برابر ماده ۱۱۹۴ قانون مدنی، شامل ولی قهری و وصی منصوب از جانب پدر یا جدپدری است، ولی قهری از نظر قانون مدنی پدر و جدپدری می‌باشد. هر یک از پدر و جدپدری هر دو در ردیف یکدیگر قرار دارند و هر یک از آن دو به صورت مستقل دارای حق ولایت بوده می‌توانند اعمال حق نمایند؛ در صورت فقدان پدر و جد، ولایت با حاکم خواهد بود.

مقالات

مقاله «بررسی تطبیقی قیمومت محجورین در فقه فریقین و قانون مدنی ایران» نوشته محمدعلی داوریار و غفار علیزاده در (فصلنامه تخصصی فقه و تاریخ تمدن صفحه ۵۹ تا ۹۶) که قیمومت محجورین را در فقه فریقین و قانون مدنی مورد بررسی قرار داده است. در این مقاله ابتدا به اهلیت که نقطه مقابل محجوریت است پرداخته شده و سپس به حجر (اهلیت نداشتن فرد در استیفای حقوق) و قیمومت محجورین و خاتمه آن و دیدگاه فقه فریقین و قانون مدنی اشاره کرده است.

مقاله «قیم کیست؟ قیمومت چیست؟» نوشته صابر ناظمی در (ماهنامه کانون شماره ۱۲۳ صفحه ۱۱۱ تا ۱۲۸) نویسنده در این نوشته، ابتدا کلیات و تعاریف مختصر از دو عنوان ولی و وصی ارائه داده و در ادامه با ورود به عنوان اصلی به شرح و بسط و وظایف، تکالیف و اختیارات قییم به ویژه در حوزه تنظیم و ثبت اسناد رسمی پرداخته است.

تفاوتی که پژوهش حاضر با این پژوهش‌ها دارد آن است که مسأله عزل و نصب قییم را به صورت تطبیقی و جامع از دیدگاه پنج مذهب امامیه و اهل سنت مورد بررسی قرار می‌دهد.

۱-۶- جنبه جدید بودن و نوآوری در پژوهش

این پژوهش از آن جهت که این موضوع را در بین مذاهب پنج‌گانه اسلامی بررسی می‌کند و با بررسی و تحلیل دیدگاه‌ها در پی دستیابی به اقوال صحیح در مسأله و متمرکز بر روی بحث عزل و نصب قیام می‌باشد و به نظر می‌رسد پژوهشی در این زمینه صورت نگرفته است، تازگی دارد.

۱-۷- اهداف پژوهش

هدف اصلی

۱- تبیین شرایط و احکام عزل و نصب قیام از دیدگاه مذاهب پنج‌گانه اسلامی.

اهداف فرعی

- ۱- شناسایی شرایط نصب قیام توسط حاکم شرع از منظر امامیه و مذاهب چهارگانه اهل سنت.
- ۲- آگاهی از شرایط عزل قیام توسط حاکم شرع از دیدگاه فقه امامیه و مذاهب چهارگانه اهل سنت.
- ۳- تبیین تکالیف و اختیارات قیام در امور مالی و غیر مالی از منظر امامیه و مذاهب چهارگانه اهل سنت.

۱-۸- روش انجام پژوهش

این پژوهش به صورت توصیفی تحلیلی و با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای انجام می‌گیرد. بعد از شناسایی منابع مورد نیاز، ابتدا اطلاعات لازم گردآوری و فیش‌برداری می‌شود؛ سپس به تنظیم، تبیین و تحلیل مطالب پرداخته و در نهایت نتیجه‌گیری خواهد شد.

۱-۹- اصطلاحات و تعاریف

۱-۹-۱- حاکم

راغب اصفهانی می‌نویسد: اصل واژه حکم منع است برای اصلاح، لذا به دهنه و لگام چارپایان «حکمة» گفته می‌شود و حکم به چیزی، یعنی قضاوت به این که چنین است یا چنان نیست، با صرف نظر از این که این قضاوت، الزامی برای دیگران به وجود بیاورد یا نه ... و به کسی که میان مردم حکم کند، حاکم و حکام گفته می‌شود.^۱

۱- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، ۲۴۸.

ابن اثیر درباره «حکم» که یکی از نام‌های خداوند متعال است، می‌گوید: «حکم و حکیم به معنای قاضی است. علت تسمیه حاکم به این نام، منع ستمگر از ستم است^۱». در مقابل، ابن منظور، حاکم را تنفیذ کننده حکم می‌داند^۲.

کاشف الغطاء در مورد تعریف حاکم می‌گوید: «کسی که از جانب سلطان برای حل و فصل دعاوی و منازعات، تعیین و منصوب می‌شود، این واژه در تمامی مذاهب به همین معنا به کار رفته است. اما در مذهب امامیه، حاکمیت منصبی الهی و صفت نفسانی کمالی است که حاکم را شایسته‌ی قضاوت کردن میان مردم قرار می‌دهد و سلطان در نصب و عزل او دخالتی ندارد، بلکه فضیلت و امانت او را نصب و ردیلت و خیانت او را عزل می‌کند^۳».

صاحب جامع المقاصد در تعریف دیگری از حاکم اینگونه می‌نویسد: «حاکم، امام معصوم یا نائب خاص او می‌باشد و در زمان غیبت، فقیه جامع الشرایط است که به آن نائب عام گفته می‌شود و دارای شرایط فتوا و حکم دادن است^۴».

در یکی از کتب اهل سنت حاکم اینگونه تعریف شده است: «حاکم اجرا کننده حکم است و قاضی کسی است که از جانب سلطان، برای حل و فصل دعاوی و مخاصمه‌ها تعیین و منصوب می‌شود^۵».

۱-۹-۲- قیومت

قیومت از ریشه «قوم» گرفته شده است و قیومت از واژه قیّم گرفته شده است^۶. قیّم در لغت به معنای مستقیم و راست، نیکو و به معنای سرپرست می‌باشد که مؤنث آن قیّمه است^۷.

ابن منظور در لسان العرب گفته است قیّم به معنای معتدل است^۸. «قیومت به معنای ولایت داشتن بر شخصی و امور مربوط به او است و بر اطفالی که به سن بلوغ و رشد نرسیده باشند اختصاص دارد. از قول خداوند معنای قیومت دانسته می‌شود که فرموده است: «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا. نساء/ ۵»^۹. این قیومت به معنای مطلق ولایت است و هر امری که شامل ولایت عام شود از معنای اصطلاحی قیومت خارج می‌شود اگرچه معنای حقیقی ولایت باشد^{۱۰}». در اصطلاح فقها قیّم کسی است که امر محجور را سرپرستی می‌کند.

۱- جزری، مبارک بن محمد، النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، ۴۲۰/۵ و ۴۱۸.

۲- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ۱۴۲/۱۲.

۳- نجفی (کاشف الغطاء)، محمد حسین، تحریر المجله، ۱۸۰/۲ و ۱۷۹.

۴- کرکی، علی بن حسین، جامع المقاصد فی شرح القواعد، ۲۶۶/۱۱.

۵- مجددی برکتی، محمد عمیم الإحسان، التعریفات الفقهیة، ۷۵/۱.

۶- زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، ۵۹۷/۱۷.

۷- همان.

۸- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ۵۰۳/۱۲.

۹- صدر، محمد، ما وراء الفقه، ۲۹۱/۹.

امام خمینی در زبده البیان گفته است: «قیم کسی است که امور یتیم و غیر آن را بر اساس وصیت یا حکم حاکم شرع، سرپرستی می‌کند»^۱.

در کتاب التعریفات الفقهیة از کتابهای اهل سنت در تعریف قیم چنین آمده است: «قیم شرعا کسی است که برای حفظ مال شخص و اطفال او بعد از مرگ اقامه می‌شود»^۲.
واژه قیم و ولی که این اصطلاح در ادامه ذکر خواهد شد، از دیدگاه فقهای اسلام تعریفی نزدیک به هم دارند ولی برای درک بیشتر این موضوع تعریف جداگانه این دو اصطلاح بیان شده است.

۱-۹-۳- حجر

جوهری در الصحاح گفته است حَجْرٌ در لغت به معنی منع است، حَجَرَ عَلَيْهِ الْقَاضِي یعنی قاضی او را از تصرف در مالش منع کرد و حِجْرٌ به معنی عقل است^۳، چنانکه خداوند در قرآن گفته است: «هَلْ فِي ذَلِكَ قَسَمٌ لِذِي حِجْرٍ؟ آیا در آنچه گفته شد، سوگند مهمتی برای صاحبان خرد نیست؟»^۴
فیومی در مصباح المنیر گفته است حِجْرٌ به معنی حرام است^۵.
کلمه محجور اسم مفعول است و از «حجر» گرفته شده است.
در کتاب المبسوط در تعریف محجور چنین آمده است: «محجور کسی است که از تصرف در مالش منع شده است»^۶.

حصکفی از فقهای حنفیه حجر را اینگونه تعریف نموده است: «حجر عبارت است از منع نفوذ تصرف قولی نه فعلی زیرا بعد از وقوع فعل امکان رد کردن آن فعل وجود ندارد»^۷.
ابن عرفه از فقیهان مالکی در تعریف حجر می‌گوید: «حجر صفتی حکمی است که موجب منع موصوفش از نفوذ تصرفش در مازاد بر قوتش یا تبرع مالش می‌شود»^۸.
شافعیه گفته‌اند: «حجر منع از تصرفات مالی است»^۹.
حنابله هم حجر را مانند شافعیه منع انسان از تصرف در مالش می‌دانند^{۱۰}.

۱- موسوی خمینی، روح الله، زبده الأحكام، ۲۵۹.

۲- مجددی برکتی، محمد عمیم الإحسان، التعریفات الفقهیة، ۲۳۷/۱.

۳- جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیة، ۶۲۳/۲.

۴- فجر/۵.

۵- فیومی، احمد بن محمد، مصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، ۱۲۲/۲.

۶- طوسی، محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الإمامیة، ۲۸۱/۲.

۷- حصکفی، علاء الدین، الدرالمختار شرح تنویر الأبصار و جامع البحار، ۶۰۵/۱.

۸- صاوی، احمد بن محمد، حاشیة الصاوی علی الشرح الصغیر، ۳۸۱/۳.

۹- شربینی، شمس الدین، مغنی المحتاج، ۱۳۰/۱.

۱۰- ابن قدامه مقدسی، عبدالله بن احمد، المغنی لابن قدامه، ۴۳۴/۴.

با توجه به بررسی که انجام شد، اهل سنت واژه محجور را تعریف نکرده‌اند ولی با توجه به تعریف آنان از حجر در مذهب حنفیه محجور کسی است که تصرفات قولی او ممنوع است؛ اما تصرفات فعلی وی منع نشده است.^۱

در مالکیه محجور به کسی گفته می‌شود که تصرف وی مازاد بر قوتش یا تبرع مالش ممنوع است.^۲

در مذهب شافعیه و حنابله، محجور کسی است که تصرفات مالی وی ممنوع است.^۳

۱-۹-۴- ولایت

ولایت به فتح واو مصدر است و به کسر واو اسم است^۴، به کسر واو به معنای سلطان است و به کسر و فتح واو به معنای نصرت است.^۵

از دیدگاه ابن اثیر در مفهوم ولایت جمع سه مفهوم تدبیر، قدرت و فعل شرط است یعنی بدون هر کدام از این مفاهیم، ولایت تحقق نمی‌پذیرد.^۶

ولایت دو نوع است: ولایت انسان بر مال و فرزندانش را ولایت خاص و ولایت حاکم و والی را ولایت عام می‌گویند، ولایت ولی بر صغیر بر ولایت قاضی و حاکم مقدم است و در صورت وجود ولی خاص، حاکم ولایت ندارد.^۷

واژه «ولی» و «ولایت» و مشتقات دیگر آن از قبیل «مولی» در لغت عرب چنین بیان شده است به معنای آن است که دو چیز در کنار هم آنچنان قرار گیرند که فاصله در بین آنها نباشد^۸

همچنین برای ولی معانی دیگری ذکر شده است:

یعنی بارانی که پیاپی می‌آید.^۹

ولی به معنای دوست، یاور و حافظ هم آمده است.^{۱۰}

۱- ر.ک: حصکفی، علاء الدین، الدرالمختار شرح تنویر الأیصار و جامع البحار، ۱/۶۰۵.

۲- ر.ک: صاوی، احمد بن محمد، حاشیة الصاوی علی الشرح الصغیر، ۳/۳۸۱.

۳- ر.ک: شربینی، شمس الدین، مغنی المحتاج، ۱/۱۳۰ و ابن قدامه مقدسی، عبدالله بن احمد، المغنی لابن

قدامة، ۴/۴۳۴.

۴- زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، ۲۰/۳۱۰.

۵- جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیة، ۶/۲۵۳.

۶- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ۱۵/۴۰۷.

۷- نجفی (کاشف الغطاء)، محمد حسین بن علی، تحریر المجله، ۱/۴۱.

۸- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، ۸۸۵.

۹- همان، ۸۸۷.

۱۰- حمیری، نشوان بن سعید، شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلوم، ۱۱/۷۲۸۷ و ۷۲۸۶.

مرحوم بحر العلوم در بیان ولایت گفته است: «ولایت عبارت است از حاکمیت عقلی و شرعی بر نفس یا مال یا هر دو، نسبت به شخص دیگری بالاصاله یا بالعرض^۱».

ولایت در اصطلاح فقهای اهل سنت عبارتست از: «ولایت مطلق سلطه شرعی است که صاحب ولایت به وسیله آن سلطه، تصرف در شئون دیگری را به خاطر اجبار از جانب او مالک می‌شود، شامل ولایت بر نفس و مال و ولایت خاص مانند ولایت پدر بر صغیر، ولایت امام و قاضی می‌شود^۲».

حنفیه ولایت را این گونه تعریف کرده است: «ولایت در فقه نافذ بودن قول شخص بر دیگری بدون اعتنا به رضایت یا مخالفت او است^۳».

مرحوم صدر در تعریف ولی می‌گوید: «ولی کسی است که دارای سلطه یا اجازه شرعی برای عملی معین نسبت به شخص می‌باشد صرف نظر از اینکه رضایت او شرط باشد. شامل ولی عام و ولی خاص، ولایت بر اوقاف و ایتام و ولی دم و ولی مقتول می‌شود^۴».

ابن عرفه در فصل نکاح، ولی را چنین تعریف کرده است: «ولی کسی است که مالک زنی به ملک یمین است (یعنی کنیزی دارد) یا از راه پدری یا از طریق عصبه و خویشاوندان پدری یا از راه وصیت یا کفالت یا سلطنت و یا از راه اسلام والیت دارد^۵».

۱- بحر العلوم، محمد بن محمد تقی، بلغة الفقیه، ۲۱۰/۳.

۲- ربان، احمد علی، فقه الأسرة، ۱۰۷/۱.

۳- ابن عابدین، علاء الدین، رد المختار علی الدر المختار ۵۵/۳ و ابن نجیم مصری، زین الدین بن ابراهیم، البحر الرائق شرح کنز الدقائق، ۱۱۷/۳.

۴- صدر، محمد، ماوراء الفقه، ۳۱۳/۹.

۵- عدوی، علی بن احمد، حاشیة العدوی علی شرح کفایة الطالب الربانی، ۳۹/۲.

فصل دوم

احکام و شرایط نصب و عزل قیّم از دیدگاه مذاهب پنج گانه